

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2019Y3N10A11 ISSN-P: 2538-3701

پیشگیری از بروز اندیشه‌های مجرمانه با دیدگاه علوم انسانی اسلامی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۶/۱۲)

عطاالله محمدی فردوئی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، ایران

چکیده

بحث اسلامی کردن دانش پیشگیری از جرم با تاکید برپیشگیری قبل از بروز اندیشه مجرمانه و نظریه پردازی در این خصوص به عنوان یکی از گروه‌های علوم انسانی، نزد بزرگان کشور دغدغه اصلی بوده است. بررسی سیر علمی و تاریخی نشان می‌دهد که اسلام ناب محمدی (ص) ابتداءً به این موضوع پرداخته و تاکید بر اجرا و اشاعه آن داشته است، در حالی که جهان غرب به یک مرحله بعد از آن اشاره داشته و آن افکار را صادر نموده است. این مقاله با رویکرد تحلیلی، در پی بررسی علل نیاز به اسلامی نمودن مجدد روش‌های پیشگیری از جرم و نظریه پردازی و درنهایت اصلاح آن با مروری بر اثبات مدرن بودن علوم اسلامی قرآنی و استراتژی حقوق اسلام در این خصوص مورد بررسی و کنکاش قرار داده و در تلاش است مهمترین موانع در این خصوص را برشمرده و راهکارهایی برای تحقق آن ارائه نماید.

۲۴۱



واژگان کلیدی: علوم انسانی اسلامی، پیشگیری از جرم، اندیشه مجرمانه، کرامت انسانی،

استراتژی، حقوق اسلام، غرب گرایی، جرم‌شناسی

تحولات جهانی به‌ویژه در زمینه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوق و ... به تأسی از قانون جبر موجب استحاله ارزش‌ها و دگرگونی در شیوه زیستن در محیط اجتماعی گردیده است، چنین فرایندی قطعاً در رفتار انسانی، از ابعاد مختلف تأثیر می‌پذیرد. نابهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها نیز به تبعیت از این تغییر دچار تحول می‌شود، در این راستا ایده‌هایی برای پیشگیری از وقوع جرم و بزهکاری با استفاده از سازوکارهای مدرن و فرامدرن ارائه گردیده که هریک توجیهی خاص خود را دارد، متأسفانه گذر پرسرعت از جامعه‌ای با تفکر راستین مذهبی، اخلاق‌گرا و اصول محور، بستری را فراهم خواهد نمود که در تضادها موجب گسست ارزش‌ها شود و آثاری همچون سرگشتگی در رفتار و سرگردانی در هویت و افکار و عمل را خواهد داشت. واکنش انسان متناسب با ساختار شخصیتی وی و ناشی از تأثیرات عوامل درونی و محیط بیرونی می‌باشد، به‌عبارت‌دیگر، انسان موجودی است متأثر از سه عنصر جسم و روان و اجتماع که رفتارها و هنجارهای او تبلور این عناصر است [۱]، فلذا با توجه به اهمیت این موضوع، در این مقاله اشاره داریم به سلامت همه‌جانبه انسان در نظام تربیتی اسلام، از زمان تصمیم بر وجود و چه‌بسا قبل از آن، یعنی قبل از آن، زمان ایجاد شرایط محیطی یا انگیزه بروز نابهنجاری.

اسلام در اقدامی پیش‌دستانه توصیه‌های زیادی در خصوص نکات تربیتی مربوط به بهداشت روان انسان دارد و کرامت جامعه را درگرو کرامت انسان و انسانیت می‌داند. به‌طور کلی باید گفت اسلام یا مکتب کرامت انسانی از سلامت گرفته‌شده و علوم خود را بر آن بنا داشته است، بنابراین وسیله سلامتی و امنیت برای جامعه می‌باشد [۲].



۱- دکتر علی نجفی توانا-جرم‌شناسی-انتشارات سنجش آموزش-ص ۱۶۹- سال ۱۳۹۶

۲- آیه ۵۸ سوره اعراف: سرزمین پاکیزه گیاهانش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن چیزی نمی‌روید.

نگارنده برای شروع بحث، توجه خود را معطوف به‌غایت علوم اسلامی (کرامت انسان) داشته و ازاین‌پس از آن به علوم انسانی اسلامی یاد خواهد کرد و سعی دارد با توجه به اندیشه خود به آنچه این کرامت را مخدوش می‌کند اشاره نماید، در این مقاله، پیشگیری از بروز بزه را از دیدگاه علوم انسانی اسلامی به‌صورت کلی موردبحث و بررسی قرار داده و آن را مسیری نوین معرفی می‌نمایم. شاید علت این که فقهای پیشین و عالی‌مقام اسلام شرایط ایده‌آل معرفی راه‌های پیشگیری نوین با توجه به مقتضیات روز، درباره علل وقوع جرم را نداشته‌اند، این باشد که به‌عنوان مثال، از زمان خلافت بنی‌امیه تا زمانی که حکام جور زمام دار مسلمین بوده‌اند نمی‌خواستند و نمی‌گذاشته‌اند احکام آموزشی، هشدار و جزائی اسلام چنانچه خدا دستور داده، به مرحله اجرا درآید؛ زیرا ستمکاران و فرمانداران خودکامه با تعیین مجازات سخت به حکومت مستبدانه خود ادامه می‌داده‌اند و قوانین جزائی اسلام را برای اداره کشور به‌نوعی کنار گذاشته یا به نفع خود تفسیر و اجرا کرده‌اند و از فقیهان کمتر پیرامون موضوع استفاده نموده‌اند؛ اما اکنون که بحمدالله در ایران ما حکومت اسلامی استقرار یافته و مجلس شورای اسلامی می‌کوشد که قوانین را از منظر اسلامی به تصویب برساند و دولت‌ها را به اجرای آن‌ها مکلف سازد، تحقیق در همه جوانب ضروری به نظر می‌رسد. وقتی در اسلام سخن از مسئولیت دانا و برائت جاهل به میان می‌آید، باید آن را با مقیاس دینی سنجید نه با معیار روز، برای اینکه امروزه به‌ظاهر دانا فراوان است و علوم بشری بسیار، معذکک در میان مردمی که خود را متمدن می‌دانند و بی‌سواد کم دارند و یا ندارند بزه‌کاری همچنان رو به فزونی است. به همین جهت بر آن شدیم راهکارهای علوم انسانی اسلامی در پیشگیری از اندیشه‌های مجرمانه را مستند به آیات قرآن و احادیث و روایات معصومین (ع) دقیق‌تر موردبررسی و مطالعه قرار دهیم تا



گرفتن نتیجه که همانا جایگزینی آن با علوم انسانی وارداتی و مادی گرای غربی می‌باشد آسان‌تر شود.

طرح مسئله و ضرورت پرداختن به آن

هر جامعه ای دارای ساخت و هویت فرهنگی ویژه ای است. برای ساختن چنین ویژگی است که جامعه ای از جامعه دیگر مورد تمایز قرار می‌گیرد، وجود چنین اقتضائات خاص، ضرورت پذیرش و یا تطبیق هر علم وارداتی را در جهت پاسخگویی به مسائل اجتماعی مرتبط با آن جامعه هویدا می‌کند، اما آنچه خداوند متعال به عنوان خالق بشر به صورت دستورالعمل هدایت و بقاء (قرآن کریم) برای بشر معرفی و نازل کرده است مبین این امر می‌باشد که تمام اوضاع و احوال انسان را در دستورالعمل خود برای تمام عصرها و زمانها ترسیم نموده و تخطی از آن توسط انسان می‌تواند عقوبتی جبران ناپذیر برای جوامع انسانی داشته باشد. پس هر وقت انسان یا همان تفکرات انسانی به هر دلیل و برهانی خود را مستقل از فطرت الهی بداند و بخواهد بر اساس امیال خود تفکر نماید یا جامعه را هدایت نماید به قطع یقین به هدفی نخواهد رسید جز تباهی و شکست، فلذا لازم است طبق تاکید مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، در ایران اسلامی به عنوان طلایه دار اشاعه فرهنگ غنی اسلامی و دیگر مجامع اسلامی ضرورت پرداختن به چنین بحثی به عنوان یکی از دغدغه های مهم نظام اسلامی به شمار آید و به آن اهمیت داده شود. وقتی بیان نظریات بر مبنای علوم انسانی، اسلامی، است که بر گرفته از بطن قرآن کریم، احادیث نبوی و روایات ائمه معصومین می‌باشد، پس بسیار واضح است که به طرق مختلف از سوی گروه های مختلف اجتماعی و سیاسی مورد سؤال و هجمه واقع شود، حال یا به دلیل منافع مادی و یا به دلیل عدم شناخت لازم از مبانی غنی اسلامی. علوم انسانی فعلی، علاوه بر تحولاتی که در آن رخ داده است،



همواره با ماهیت و صبغه غربی خود با فطرت و کرامت انسانی که خداوند بر آن تاکید داشته هم‌نوا و تطابق مناسبی نداشته است؛ باین وجود همان گونه که ملاحظه می‌کنیم چنین رشته‌ای در محافل علمی و دانشگاهی جوامع کمتر توسعه یافته بدون کمترین تحول کیفی و کمی و صرفاً قبول و تبیین نظریات مادیگرایانه غربی به مسیر خود ادامه می‌دهد و آنچه مبرهن است نتایجی مثبت را برای انسان در جهت رسیدن به کمال الهی و کرامت واقعی به همراه نداشته است. حال سئوالی که مطرح است اینکه چه موانعی در مسیر حرکت علوم انسانی اسلامی قرار گرفته که با گذشت بیش از چهل سال از عمر با برکت انقلاب اسلامی، هنوز موفق به تولید علوم انسانی متناسب با فرهنگ اسلامی نشده‌ایم؟

با توجه به تحولات جامعه بشری در علوم عقلی و تجربی چرا علی‌رغم داشتن منابع غنی اسلامی هنوز موفق به استخراج محتوای این علوم از منابع اسلامی نشده‌ایم؟
دین و نقش نهادی آن در پیشگیری از اندیشه بزهکارانه؟

توجه به مبانی استراتژیک علوم انسانی اسلامی و تاثیر آن در پیشگیری از بروز اندیشه مجرمانه؟

در پاسخ به این سئوالات لازم است مفاهیم اولیه مورد بحث تعریف گردد:

بخش اول: بررسی و شناخت علوم انسانی اسلامی

علوم انسانی اسلامی یعنی علم انسان‌شناسی بر اساس وحی الهی، عقل، شهود و همه راه‌هایی که به سوی انسان سوق داده می‌شود. این علم سکان‌دار کشتی تفکر جامعه است که مسیر اندیشه‌ها را جهت‌دهی می‌کند. علوم انسانی موجود، میوه تمدن جدید غرب است که در اومانیسیم، تجربه‌گرایی، لیبرالیسم و ... ریشه دارد، بنابراین می‌توان آن را از مهم‌ترین ابزار تمدن





غرب دانست. عده‌ای علوم انسانی را محصول مدرنیته و به عبارت دقیق‌تر فرزند جهان‌بینی عصر روشنگری می‌دانند و آن را علم مدرن می‌نامند که در قرن نوزده و بیست و به‌ویژه در نیمه دوم این قرن بیش‌ازپیش ظاهر شده است. بحران ماهوی «علوم انسانی» مورد نظر عموم، چنان وضوح و شدت ظهور یافته که دیگر ساده‌لوح‌ترین خوش‌بینان وابسته «علوم انسانی مدرن منشأ گرفته از غرب» نیز نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. علوم انسانی ذکر شده در مطالب فوق از حدود ۲۵۰ سال اخیر پدید آمده است که از لحظه تولد بحران‌زده و بیمار بوده است، این بحران را می‌توان بحران هویتی علوم انسانی دانست. از یاد نبریم علوم انسانی غربی اساساً از دل فلسفه اومانیستی درآمده است و به دلیل ماهیتی که دارد مسیر غرب‌زدگی و سرمایه‌سالاری را به بشر القا کرده است و علوم مدرن را، مطلق علم معرفی می‌کند، عنوان مطلق علم، مورد تأیید اکثریت فیلسوفان مدرنیسم و روشنفکران و تکنوکرات‌ها و جماعت به‌اصطلاح دانشمند بوده است. نگرش مدرنیستی به علوم انسانی یا همان ایدئولوژی علم‌زدگی از دهه ۱۸۷۰ م با ظهور برخی آرای نیچه [۱] با بحران جدی روبرو شد، نیچه علم مدرن را واپسین فرزند نامشروع دوران موسوم به عصر روشنفکر می‌دانست و معتقد بود علم مدرن صرفاً تبیین و تفسیری از جهان است تا از طریق آن اهداف و احتیاجات ما (اغراض نفسانی بشر مدرن) برآورده شود [۲]. این نظر نیچه در حقیقت در مقابل اندیشمندان غرب‌گرا می‌باشد که می‌گویند علم مدرن راهرو و راهنمای بشر به سوی پیشرفت و ترقی است و آنچه علم مدرن می‌گوید معیار تشخیص «صدق» و «کذب» است که به کشف قوانین عالم می‌پردازد. مسئله علوم انسانی و اضطراب و نیاز ما به آن، صورت دیگری دارد که باید در روندی تدریجی اما مستمر و فعال با در پیش گرفتن رویکرد انتقادی نسبت به بنیان‌های علوم انسانی حال حاضر جهان، به تدریج به مرزهای

1 - Feredrish, Nietzsche

۲- زرشناس - شهریار - کاوشی در چیستی علوم انسانی - انتشارات کانون اندیشه ۱۳۹۴.

عبور از علوم انسانی اومانیستی و تأسیس دانش دینی با مبادی و غایات و تقسیم‌بندی‌ها و روش‌شناسی مبتنی بر تفکر قرآنی و میراث حکمت شیعی رسید. ان شاءالله.

مؤلفه‌های ماهوی علوم انسانی اومانیستی، تربیت شهروندان سربه‌زیر و حرف‌گوش‌کن، منفعل و اسیر استکبار بوده و خواهد بود. خطر علوم انسانی غربی برای اسلام و ماهیت آن خطری جدی است چراکه بر مبنای مشهورات لیبرالیستی و سکولار در مقابل تفکر اسلامی و نظام ولایتی قرار گرفته است و سعی دارد موجبات نزول اقتدار و اعتبار تفکر دینی و نیز آسیب رساندن به هویت اسلامی جامعه شود. در علوم انسانی مبانی عقل و شهود به‌تنهایی کافی نیست. به‌طور کلی علوم انسانی اسلامی روش برهانی، روش عقلی و روش شهودی را در ذیل نورافکن وحی استفاده می‌کند [۱].

جریان فعال در تحول علوم انسانی با رویکرد اسلامی جریانی است که عناصر اصلی این ارگانیزم زنده و پویا دائماً در حال رشد و بالندگی است و در بخش‌های مختلف ظهور می‌یابد. من جمله در نیل به تعریفی روشن، مستدل و قابل دفاع از علوم انسانی اسلامی مبتنی بر مبانی محکم و استوار دین مبین اسلام.

بند اول: کرامت انسانی

کرامت انسانی مقوله‌ای است که در تأملات خود به وجود انسان اصالت می‌دهد، این دارای پیشینه‌ای طولانی می‌باشد تا جایی که در سراسر تاریخ و در بسیاری از نظریه‌های فلسفی، دینی، اخلاقی، ادبی، هنری و نیز دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ریشه دوانده است. در طول تاریخ هوشیاران جاهل بسیار تلاش داشته‌اند در جهت نیل به اهداف شوم خود این مقوله

۱- تعریف «علوم انسانی اسلامی» به بیان رحیم‌پور ازغدی، تاریخ انتشار: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ سایت خبری بولتن نیوز.



را از هدف خود خارج سازند و همه چیز اعم از دین، هنر و علم و نظایر آن را ابزاری در خدمت غرایض انسان بدانند و خرد و عقل محدود انسان را منشأ شکوفایی او بدانند. غرب مادی‌گرا، کرامت انسانی را کپی نموده و با مخدوش نمودن اهداف آن (خلیفه الهی)، تفکری به نام انسان‌مداری معرفی نموده است و آن را مهم‌ترین شالوده دنیای مدرن می‌داند. با استفاده از ظواهر موضوع، ابزار و تبلیغات و فریب و سوءاستفاده از خواست و احساسات انسانی، کمال انسان را بر اساس دور تسلسل صرفاً بر دوش خود انسان نهاده و او را نهایت می‌داند، نه تکامل بر مبنای فطرتی الهی که خالق او بر آن دستور داده است. غربیان و غرب‌گرایان متحجر در ادامه مسیر مخالفت خود با دین، اصالت انسان را در مقابل انسان الهی قرار داده‌اند. مطابق این عقیده، انسان می‌بایست محور و مدار کائنات و کانون همه توجهات باشد، بدین‌سان، اصالت در همه زمینه‌ها از آن انسان و فهم او خواهد بود، به این ترتیب همه چیز به میزان فهم انسان محدود می‌شود و با ترازوی بشر سنجیده می‌شود، بشری که خود نهایت خویش را نمی‌شناسد، در ادامه راه و به‌دوراز توجه به اصل خلقت انسان، بر دین خرده گرفته شد و نهضت اصلاح دین رقم خورد، ارزش‌ها یا همان بایدها و نبایدهای اخلاقی، تنها بر مبنای عقل و وجدان و علم (و نه بر اساس دین واقعی) تبیین می‌شود. در حوزه سیاست نیز اموری بر اساس اراده و خواست انسان تنظیم می‌گردد، در حقوق آنچه احکام الهی دستور داده و آن‌ها می‌توانند به‌عنوان ظاهر زیبای جهت امیال شوم خود در خصوص استثمار انسان استفاده نمایند، بانام دیگر و با عنوانی مدرن به جهان معرفی می‌کنند و در غیر این صورت به‌نقد آن پرداخته و چه‌بسا تلاش بر حذف آن دارند. تعالیم دینی نیز، مظهر رحمت الهی‌اند و انسان دوستانه و به سود وی و مایه سعادت و آرامش نیک بختی او می‌باشند. با این‌همه، جهان غرب و مبلغان سیاسی و فکری آن با همه توان، تلاش کرده‌اند از شریعت اسلام، چهره‌ای خشن و خون‌آلود ترسیم کنند. چهره‌ای که در



آن، انسان دوستی، صلح، مدارا و همزیستی و صفا جایی ندارد. در مقابل، مسیحیت و مردم مغرب زمین را جلوه و نماد اومانیسم (حباب انسان دوستی) و مهرورزی نشان دهند.

بیان شد که غرب مادی گرا، کرامت انسانی را کپی نموده و با مخدوش نمودن اهداف آن (خلیفه الهی)، تفکری به نام انسانمداری معرفی نموده است، فلذا آن‌ها اساس استقرار کرامت انسانی باهدف فتنه‌انگیز (اهداف شوم خود را در پناه اهداف صحیح الهی بیان می‌نمایند) تعریف نموده و بیش از ده عنوان به جوامع دیگر صادر نموده‌اند [۱]:

نخست: محوریت انسان و پابندی به خواست‌ها و سلیقه‌ها و علاقه‌های انسانی.

دوم: اصالت دادن به عقل، شک و نقد به‌عنوان ابزاری مناسب برای کشف حقیقت و ساختن جامعه انسانی.

سوم: برشمردن اندیشه و آزادی به‌عنوان دو بعد بنیادی وجود انسان.

چهارم: اعتقاد به اخلاق و جامعه بر اساس مسئولیت اخلاقی با محوریت تساوی حقوق افراد

در جامعه [۲].



۱- سلیمانی، حسین، انسانمداری راستین، انتشارات زوار، ۱۳۹۳.

۲- مجموعه آثار شهید مطهری. ج ۱۹، ص: ۱۳۸- از نظر اسلام این مسئله هرگز مطرح نیست که آیا زن و مرد دو انسان متساوی در انسانیت هستند یا نه؟ و آیا حقوق خانوادگی آن‌ها باید ارزش مساوی با یکدیگر داشته باشند یا نه؟ از نظر اسلام زن و مرد هر دو انسان‌اند و از حقوق انسانی متساوی بهره‌مندند. آنچه از نظر اسلام مطرح است این است که زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آن‌ها یک‌جور نیست، خلقت و طبیعت آن‌ها را یکنواخت نخواست است و همین جهت ایجاب می‌کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات وضع مشابهی نداشته باشند. در دنیای غرب، اکنون سعی می‌شود میان زن و مرد از لحاظ قوانین و مقررات و حقوق و وظایف وضع واحد و مشابهی به وجود آورند و تفاوت‌های غریزی و طبیعی زن و مرد را نادیده بگیرند. تفاوتی که میان نظر اسلام و سیستم‌های غربی وجود دارد در اینجاست. علی‌هذا آنچه اکنون در کشور ما میان طرفداران حقوق اسلامی از یک طرف و طرفداران پیروی از سیستم‌های غربی از طرفی دیگر مطرح است مسئله‌ی وحدت و تشابه حقوق است نه

پنجم: اعتقاد به جامعه باز و تکثیر گرا.

ششم: التزام به اصل جدایی دین از دولت.

هفتم: اعتقاد به اینکه جهان موجودی خود پیدایش و انسان نیز بخشی از همین جهان است که بر اساس یک فرایند تکاملی مداوم پدید آمده است.

هشتم: اعتقاد به اینکه تمام ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها و سنت‌ها، اعم از دینی، سیاسی، اجتماعی و نظایر آن باید توسط انسان ارزیابی و ارزش گذاری شود و نه صرفاً بر اساس ایمان.

نهم: جستجوی دائم برای یافتن حقیقت عینی، با درک و اعتراف به اینکه شناخت و تجربه جدید ما از یک حقیقت عینی، ادراکات قبلی و ناقص ما را از آن تغییر می‌دهد.

دهم: اعتقاد به اینکه جهان انسان‌مدار، جانشین منطقی و معقول برای جهان خدامحور می‌باشد، از این رو صرفاً خردگرایی و عقل‌گرایی را محور اهداف شوم خود قرار داده‌اند و چنانچه نیاز باشد دینی را معرفی می‌کنند که مبتنی بر بی‌خدایی باشد.

اما در مقابل، چنانچه کرامت انسانی به‌واقع آنچه خداوند متعال بر آن سفارش فرموده است محقق شود هیچ‌گونه آزار و کشتاری در جامعه بشری نمودار نخواهد شد. خودخواهی، خودپسندی، بی‌قیدی، بی‌احساسی، بی‌مسئولیتی، خودمداری و دیگر آزاری و نظایر آن وجود نداشت. خداوند متعال، محور نظام تکوینی است و از سوی دیگر، نظام تشریحی و قوانین سعادت ناشی از علم، حکمت و رحمت بی‌منت‌های خداوند می‌باشد. در نگرش کرامت انسانی منطبق با خدامحوری، انسان به‌عنوان برترین و شریف‌ترین نوع مخلوق خداوند معرفی می‌شود، شرافت و عظمت انسان در نگرش دینی و خصوصاً قرآنی، به حدی زیاد است که از یک سو در

تساوی حقوق آن‌ها. کلمه‌ی «تساوی حقوق» یک مارک قلبی است که مقلدان غرب بر روی این ره‌آورد غربی چسبانیده‌اند.



جریان خلقت موجودات عالم، فقط در مورد خلقت انسانی است که خداوند متعال به خودش آفرین می‌گوید [۱]، پس تا انسان هویت واقعی خود را نشناسد، از کمال حقیقی خود آگاه نخواهد شد. جهان، زنده، باشعور و هدفمند است و بر مبنای حکمت الهی خلق شده و به سوی هدف کامل‌تر و عالی‌تر در حال حرکت است [۲]. انسان نیازمند هدایت از جانب خداوند متعال است تا به انسانی حقیقی نائل گردد و این هدایت فقط از طریق ارسال انبیاء (ع) و ائمه معصومین برای بشر صورت گرفته است. در پایان دو دیدگاه کرامت انسانی مبتنی بر اندیشه غرب و علوم غربی و نیز کرامت ذاتی انسانی با اندیشه منطبق با خدامحوری (خالق هستی) مطرح شد، آنچه واضح و مبرهن است، نسیمی که از اندیشه مادی‌گرای غرب می‌وزد چون بر مبنای اهداف خلقت الهی نیست درنهایت به بن‌بست خواهد رسید. علمی که از اسلام استنباط نموده‌اند با اندیشه‌های دنیا طلبانه، تغییر ماهیت داده و بر اساس اهداف شوم صادر نموده‌اند؛ این نکته اندیشمندان مستقل و واقعیت‌گرا را بر آن می‌دارد که به تحقیق و پژوهش پرداخته، علوم را بر مبنای حکمت الهی بررسی و منطبق بر اهداف آفرینش به جهانیان معرفی نمایند، چراکه اندیشه غربی مادی‌گرا، کرامت ذاتی را به همراه نخواهد آورد.

بند دوم: مفهوم بزه یا جرم

در لغت به معنای گناه، خطا، عصیان و نافرمانی آمده است [۳]، در حقوق جزا معیار و ملاک عمل مجرمانه، تعیین مجازات در قانون است. در حقوق اسلامی مفهوم لغوی جرم یا بزه عبارت

۱- (سوره مؤمنون آیه ۱۴) «كَمْ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم، بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم، آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین بادر خدا که بهترین آفرینندگان است.

۲- (سوره طه آیه ۵۰) «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى». گفت: پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است.

۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰.



است از کار ناپسند، نافرمانی، گناه، حرام شمرده شده، در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. کینبرگ [۱]، جرم‌شناس بزرگ سوئدی در کتاب مسائل اساسی جرم‌شناسی، خود می‌نویسد که جرم شکلی از عدم سازگاری اجتماعی است که می‌توان آن را مانند مشکلی توصیف کرد که فرد در دام آن دچار می‌باشد. از نظر جامعه‌شناسان، جرم، عملی است مخالف منافع اساسی جامعه، اعم از اینکه موردعنایت قانون‌گذار قرار گرفته یا نگرفته باشد [۲].

بند سوم: مفهوم پیشگیری

از معنی لغوی جلوگیری کردن. دفع کردن، ضیانت، مانع‌شدن، جلو وقوع چیزی را گرفتن و نیز اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از رخدادهاى بد [۳]. از نظر علمی می‌توان گفت که مراد از پیشگیری، هر فعالیت سیاست‌جنایی است که فرض انحصاری یا کلی آن تهدید حدود امکان پیش آمد مجموعه اعمال بزهکارانه است یا سخت و دشوار نمودن یا پایین آوردن وقوع است [۴]. در پیشگیری، هدف اصلی، اثرگذاری بر عوامل یا فرایندی می‌باشد که در بروز بزه نقش دارند که باید پیش از بروز اندیشه بزه اعمال شود و جنبه قهرآمیز نداشته باشد، زیرا تدابیر سرکوبگر پس از وقوع بزه بر بزهکار تحمیل می‌شوند. دفع منکر و پیشگیری از جرم، ناتوان



1 - kinberg

۲- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۹.

۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰.

۴- گلشن، ریمون، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، تهران، چاپخانه علامه طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳.

ساختن فاعل آن از انجام عمل و ایجاد آن در خارج است، خواه به اختیار خود از ارتکاب عمل منصرف شود یا نشود [۱].

بند چهارم: پیشگیری از بروز اندیشه‌های مجرمانه

حفظ آرامش همگانی در برابر اندیشه‌ی بزهکاری و هدایت خشونت طبیعی انسان‌ها به راه‌های منطقی و شروع برای استفاده از آن در جهت مثبت. در تعریف دیگری پیشگیری از بروز اندیشه خطا در ذهن افرادی که در شرف ارتکاب هستند. مقابله با بزه‌کاری، هرچند می‌تواند با شیوه‌های سرکوبگرانه و کیفی انجام پذیرد، اما این امر نه آن‌گونه که باید و شاید مؤثر و مفید است و نه منطقی، چراکه توجه به کرامت انسانی بزه‌کار از اهمیت بالایی برخوردار است و چنانچه بتوان این کرامت باقی‌مانده را حفظ کرد و یا آن را به مجرم برگرداند، دیدگاهی نوین در مقابله با این مقوله بازخواهد شد. تأکید اسلام در خصوص پیشگیری از وقوع اندیشه جرائم و انحرافات، بیشتر متوجه پیشگیری، از نوع اجتماعی است و آموزه‌های این دین، به‌طور عمده، سعی در پرورش انسان اخلاقی و با تقوا که مجهز به ابزارهای کنترل درونی، خویشتن‌دار در مواجهه با وسوسه‌ها و تمایلات نفسانی و عدم اقدام به رفتارهای ناهنجار و بزهکارانه است، اما به‌هیچ‌وجه از تأثیر عوامل خارج از شخصیت فرد به‌عنوان عامل محرک، (عوامل محیطی) غفلت نکرده است.

بخش دوم: پیشینه بحث

ارکان علم انسانی اسلامی (علم و دین)، مبنایی‌ترین مسئله است که مورد بحث و نقادی قرار گرفته است. علامه طباطبایی به مناسبت‌های مختلف در تفسیر ارزشمند «المیزان» و دیگر

۱- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، انتشارات غدیر، چاپ سوم، ۱۳۷۱، ش، ج ۱ ص ۱۸۱.



آثار خود با استناد به آیات قرآنی، در باب علم و دین مطالبی بیان کرده‌اند که نشان می‌دهد علم انسانی با پسوند اسلامی را ممکن می‌دانند و سخنان منکران را نمی‌پذیرند؛ چراکه آنان از منظر ایشان، در شناخت علم و دین مسیر صحیح را طی نکرده‌اند. دلایل عمده منکران، از این قرار است: تغایر علم و دین در روش، زبان، هدف، موضوع و مسائل؛ و نیز ادعای تداخل حداقلی میان موضوعات دینی و علمی یا ادعای تضاد بین گزاره‌های آن دو. این انگاره‌ها از منظر برداشت‌های قرآنی علامه بررسی شده است تا پاسخ ایشان به ادعای عدم امکان علم انسانی اسلامی روشن شود [۱]، جهت مطالعه بیشتر بحث رجوع شود به منبع ذکر شده (فلسفه دین، امکان علوم انسانی اسلامی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبایی). از وقتی که علوم انسانی بر مبنای اعتقادات سکولاریستی، لیبرالیستی و اومانیستی شکل گرفت؛ اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی، مدیریت و سایر رشته‌های علوم انسانی خالی از ماهیت توحیدی شد. در نتیجه، تمام تحرکات جامعه به سمت گرایش مادی و دور از اخلاق و معنویت قرآنی پیش رفت. این مسئله سبب شد اندیشمندان بزرگ اسلامی با نگاه آسیب شناسانه به علوم انسانی سکولار، درصدد تجدید بنای علوم انسانی قرآن محور و بنای آن با توجه به واقعیت‌های امروز جامعه اسلامی بپردازند. آیت‌الله شهید استاد مطهری در خصوص علوم انسانی اسلامی چنین بیان داشته‌اند:

«هر علمی را که مفید به حال اسلام و جامعه اسلامی و انسانی باشد، در حوزه علوم دینی می‌داند و بر این باور است که اگر علوم را به دینی و غیردینی تقسیم کنیم و علوم غیردینی را خارج از دایره اسلام و محیط علمی اسلامی بدانیم، با جامعیت و خاتمیت اسلام ناسازگار

۱- اسدی نسب، محمد علی، فلسفه دین، امکان علوم انسانی اسلامی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبایی، دوره ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، ص 517-543.

است: بعد از اینکه مسلمانان، با آن متون اولیه که به منزله قانون اساسی اسلام است، مانند قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و اوصیای آن حضرت آشنا شدند، به حکم قرآن و حدیث پیغمبر (ص)، علم را مطلقاً به عنوان یک فریضه مسلم شناختند و تدریجاً علومی مدون شد. ... اساساً این تقسیم درستی نیست که ما علوم را به دودسته تقسیم کنیم؛ علوم دینی و علوم غیردینی تا این توهم پیش آید که علمی که اصطلاحاً علوم غیردینی نامیده می‌شوند از اسلام بیگانه‌اند. جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می‌کند که هر علم مفید و نافع را که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است، علم دینی بدانیم».

آیا علوم انسانی اسلامی در حال حاضر وجود دارد؟ آیا استاد مطهری خود به تولید آن پرداخته‌اند؟ جدای از شکوائیه‌هایی که استاد مطهری در مورد کم‌کاری مسلمین در حوزه علوم انسانی بیان کرده‌اند، ایشان با وجود تمام مشکلات و نبود امکانات و فضای سیاسی ضد اسلامی حاکم در زمانشان، به بیان دیدگاه‌های اسلام و قرآن در مورد بعضی از مسائل علوم انسانی پرداخته و در مواردی مانند تعلیم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ، اجتماع، حقوق زن، سیاست و ... اقدام به تولید علم اسلامی کرده‌اند. اگرچه این مطالب اغلب به صورت سخنرانی بیان شده‌اند، اما می‌توان برای تبیین چارچوب‌های علوم انسانی اسلامی از آن‌ها استفاده کرد. استاد در کتاب‌های تعلیم و تربیت، فطرت، آشنایی با قرآن، شش مقاله و جاذبه و دافعه، بعد از بیان واژه‌شناسی لغوی و اصطلاحی تربیت و تعلیم، با ذکر انواع تربیت و ویژگی‌های آن، به تولید علم در مسائل اساسی تربیت اسلامی، مانند اهداف (ابتدایی، غائی و متوسط) و به‌خصوص عوامل و روش‌های تربیت و تعلیم اسلامی به صورت نسبتاً گسترده پرداخته‌اند که بررسی و تحلیل آن‌ها می‌تواند فضای علمی و تربیتی مشخص‌تری را در تربیت اسلامی نسبت به علوم تربیتی غربی به وجود آورد و پژوهشگران را در حوزه مسائل تعلیم و تربیت اسلامی



یاری رساند. استاد مطهری در کتاب‌های جامعه و تاریخ، فلسفه تاریخ، حق و باطل، قیام و انقلاب از دیدگاه فلسفه تاریخ و کتاب نقدی بر مارکسیسم، به بیان تعریف‌های مختلف از تاریخ، اجتماعی بودن انسان، ماهیت تاریخ، نوع ترکیب آن، علمیت و ارزش تاریخ و انواع آن می‌پردازد و نظریه‌های رایج در این موارد را نقد می‌کند. از منظر شهید مطهری، آینده تاریخ، آینده‌ای روشن است. استاد در کتاب فلسفه اخلاق و کتاب حکمت‌ها و اندرزها، بعد از بیان ارزش اخلاق فردی و اجتماعی و تفاوت‌های فعل طبیعی و فعل اخلاقی، محور اخلاق اسلامی را کرامت نفس می‌داند. در ادامه به مسئله خودشناسی و نقش آن در اخلاق و تفاوت خود واقعی و ناخود می‌پردازد. ایشان نظریه‌های مختلف در مورد منشأ فعل اخلاقی، مانند نظریه عاطفی، وجدانی، زیبایی، پرستش، معیار فعل اخلاقی از دیدگاه کانت، افلاطون، فلاسفه و راسل را بیان و آن‌ها را نقد می‌کند و در نهایت، معیار و پایه فعل اخلاقی را شناخت الهی و ایمان به خدا می‌داند و اخلاق منهای ایمان را مانند اسکناس بدون پشتوانه می‌داند. این نوع نگرش نظام‌مند به اخلاق اسلامی و نقد دیدگاه‌های دیگر، در واقع نوعی تولید علم در این حوزه است. بیان دیدگاه‌های استاد در مورد حقوق زنان به صورت نظام‌مند و نقد نظام حقوقی زن در غرب و پاسخ به اشکالاتی که در مورد حقوق انسان در اسلام است. استاد مطهری بعد از بیان تعاریف مختلف از علوم اسلامی، در تعریفی عام، هر علمی که ما را در فهم برتر آموزه‌های اصیل دینی یاری رساند یا ناظر به مسائل مورد نیاز جامعه اسلامی و برطرف کننده نیازی از مسلمانان باشد، از باب فریضه در زمره علوم اسلامی می‌داند. وی با استناد به حدیث نبوی «طلب العلم فریضه علی کل مسلم»، محدود کردن علم اسلامی را به علوم دینی رایج مانند فقه، اخلاق، تفسیر و ادبیات عرب و ... ناصواب می‌داند؛ بنابراین، دایره علوم اسلامی، وسیع و بسیاری از علوم از باب فریضه در حوزه علوم اسلامی داخل می‌شود. از طرف دیگر، با



توجه به اینکه معارف قرآنی و علوم اسلامی به مسائل انسان از قبیل هدایت، سعادت، تربیت، اجتماع و... می‌پردازند و از جانب دیگر، موضوع علوم انسانی نیز انسان و مسائل فردی و اجتماعی اوست؛ این دو علم در بسیاری از مسائل دارای مرز مشترک و همپوشانی و تلاقی موضوعی می‌باشند. از این رو، علوم انسانی از باب فریضه در زمره علوم اسلامی قرار دارند؛ در صورتی که مسئله مبدأ و معاد در آن لحاظ شود.

استاد مطهری علوم انسانی غربی را به دلیل آنکه در بستر مادی و طبیعی گرایانه شکل گرفته و دارای جهت‌گیری سکولار و اهداف مادی و محدود به روش تجربی و عقل‌ابزاری است، بر نمی‌تابد. از این رو، در بعضی از حوزه‌های علوم انسانی، از جمله: تعلیم و تربیت، اخلاق، جامعه و تاریخ، حقوق زنان و مسائل خانوادگی، رهبری و سیاست و حتی اقتصاد... هر چند محدود، اقدام به تولید علوم انسانی اسلامی کرده‌اند. علوم انسانی اسلامی مورد نظر شهید مطهری، علمی هستند که به بحث و بررسی مسائل انسان، از قبیل روح و روان، اجتماع، فرهنگ، ارتباطات، سیاست، اقتصاد، حقوق و... می‌پردازند و نگاه آن‌ها به انسان، «از اویی» و «به سوی اویی» (توحیدی) است و بر اساس فطریات انسانی تدوین یافته و مبانی آن مستند به وحی، سنت و عقل می‌باشد. افزون بر این، ابزار شناخت آن به حس، تجربه و عقل‌ابزاری محدود نیست [۱].

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرمایند: قرآن کتاب هدایت انسان است، بنابراین توجه به آموزه‌های قرآنی و ابتناء نظریه‌های مربوط به علوم انسانی بر قرآن نه تنها ممکن، بلکه بسیار ضروری می‌باشد. ایشان پس از انتقاد از تقلید کورکورانه از دستاوردهای

۱- کربلایی پازوکی، علی، میر هادی تفرشی، محمدرضا، چیستی علوم اسلامی و رابطه آن با علوم انسانی از منظر شهید مطهری، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۷۰ / سال بیست و یکم، شماره اول / بهار ۱۳۹۶.





علمی غرب در زمینه علوم انسانی می‌فرمایند: «شما به مبانی خودتان نگاه کنید؛ تاریخ، فلسفه، فلسفه دین، هنر و ادبیات، و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آن‌ها را ساخته‌اند و به صورت یک علم در آورده‌اند - یعنی یک بنای علمی به آن داده‌اند - مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد. باید یک بنای این‌چنینی و مستقل بسازیم [۱]، «این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف این‌ها را تعلیم می‌دهیم؛ درحالی‌که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد» [۲]. و باز می‌فرمایند: «الآن وقتی می‌گوییم تهاجم فرهنگی، عده‌ای خیال می‌کنند مراد این است که مثلاً پسری موهایش را تا اینجا ... بلند کند، مسئله تهاجم فرهنگی [همه‌اش] این نیست، الآن شما اگر در علوم انسانی [و دیگر علوم] یک نظریه علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج نوشته شده دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما مخالف با نظریه فلانی است [۳] [۴].»

۱- در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۸۴/۱۰/۲۹.

۲- دیدار با جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۸۸/۷/۲۸.

۳- همان.

۴- همان.

اسلام در یک پروسه گذار تاریخی از تونل وحشت اسارت با غرب زدگی شبه مدرن به سوی یک چشم‌انداز دینی و اسلامی است که اگر خدا بخواهد باید بستر ساز تحقق علوم انسانی اسلامی و گذار به عالم اسلامی باشد، فلذا در پاسخ به پرسش کسانی که می‌پرسند مگر علوم انسانی اسلامی وجود دارد؟ باید پاسخ داد: بله وجود دارد اما بافاصله زمانی چند صده که مجدد در مسیر تحقق، شکل‌گیری و تکامل می‌باشد. پس ناگزیر در جهت تحقق این مهم باید مؤلفه‌هایی را در مسیر آموزش و ترویج آن ترسیم نماییم: باید توجه به مبادی اصول، احکام و تأثیر اسلام بر انسان، از حالت انفعالی گذر نماید. اشاعه نگرش نقادانه دور از تعصب، ملهم از حکمت اسلامی و کلام و فقه شیعی نسبت به علوم انسانی مدرن و نظریه‌سازی. با توجه به شرایط دوران گذر که در آن به سر می‌بریم، آغاز و پیشبرد و به ثمر رساندن این مؤلفه‌ها، اساساً یک ضرورت و نیاز فوری و عاجل و حیاتی است که در آن تردید نباید کرد، اما اجرا و پیشبرد این طرح امری بسیار دشوار و نیازمند به کارگیری مجموعه گسترده از امکانات و ظرفیت‌ها و از آن مهم‌تر عزم و همتی جهادی است.

بخش سوم: تبیین دین و نقش نهادی آن در پیشگیری از اندیشه بزهکارانه

دین دارای جنبه اجتماعی است. دین به معنای پاداش، کار، عبادت، دفعات حاکم، سیرت، تدبیر، توحید، پرهیزگاری، طریقت، مقابل کفر، قاضی، مجموعه عقاید در باب رابطه انسان با مبدأ وجود خود التزام بر سلوک و رفتار بر مقتضای آن عقاید [۱]. مقصود از آن پرورش اراده و عقل، عواطف و توجه به نیازهای مادی و معنوی و درنهایت هدایت بشر به سوی کمال الهی می‌باشد، در دین الهی نمی‌توان علتی برای ارتکاب به جرم و حتی اندیشه مجرمانه یافت. بزرگ‌ترین عامل انحراف بشر، نداشتن برنامه عملی در این خصوص است، یعنی اینکه نمی‌داند

۱- امیدوار، اصغر، نقش اجتماع و پیشگیری از جرم، انتشارات مجد، بهمن ۹۶، ص ۴۶.



راهی که طی می‌کند او را به چه مقصدی می‌کشاند. اولین گام برای مبارزه پیشگیرانه با این آسیب، طرح دین به‌عنوان راهنمای عمل، برای بشر است. پس تلقی درست از دین، شرط پیشگیری از هرگونه اندیشه مجرمانه و تجاوز اجتماعی است و در مقابل تخریب، تحریف، اعراض از آن، افترا بر آن، از بزرگ‌ترین ضربه‌ها به جامعه بشری است. منزوی کردن دین به سبب توهم منافع دنیایی و شهوات آن، مردم را دچار زیان خواهد کرد، لذا حکومت‌ها نباید برای به‌اصطلاح اصلاح امور، اصالت را از دین بگیرند به این دلیل که دین بر اساس مبنای دقیق الهی طراحی شده و تمام دستورهای آن دارای مبنا و اثر است و هر کدام که نادیده گرفته شود هیچ چیز جای آن را نخواهد گرفت. در بین نظریه‌های پیشگیری از بروز اندیشه‌های بزهکارانه، نامی از دین الهی به میان نیامده است. مبنای دانش‌های انسانی غربی عموماً بر پایه سکولاریسم، اومانیزم است و اساساً جایی برای خدا (توحید) در زندگی بشر در نظر نمی‌گیرد تا از آن انتظار نقش‌آفرینی در پیشگیری از بروز بزه را داشت و با تفکرات اومانستی نمی‌توان نسخه‌ای شفابخش و دقیق برای جامعه پیچید مگر به‌عنوان تسکین‌دهنده زودگذر. آنچه در چند صده اخیر اتفاق افتاده است، هضم شدن مبانی اسلامی در تفکرات غربی و در نتیجه آن پیچیده شدن نسخه‌های فاقد مبانی الهی توسط غرب برای جوامع می‌باشد. باید تلاش کنیم و عکس این واقعه را رقم بزنیم تا مجدد موجبات نجات باطنی بشر فراهم گردد، یعنی اینکه مبانی اسلامی، مجدد تفکرات غرب را در خود هضم نماید، در واقع، مطرح کردن دین از سوی پیامبران الهی، پاسخ به نیاز معرفتی بشر و محدودیت شناختی اوست. حال نظام‌های مبتنی بر اندیشه‌های دینی و یا علاقه‌مند به آن باید مردم را با دین آشنا سازند و در حقیقت نوعی ترمیم و تکمیل معرفتی انجام دهند.

بخش چهارم: توجه به استراتژی نظام حقوقی اسلام بر پایه حقوق بشر اسلامی

همان‌طور که گفته شد دین نیاز بشر است و نه یک الزام؛ البته این مهم در ادیان الهی و جوامع گوناگون متفاوت است اما آنچه وحدت موضوع را می‌رساند نیاز فطری بشر به دین



می‌باشد. راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم به تعداد انسان‌ها و جوامع شاید گوناگون باشد چراکه بر مبنای تجربه و مشاهدات ترسیم گردیده اما در حقوق و علوم انسانی اسلامی این موضوع با سایر نظام‌های غیر اسلامی متفاوت است، زیرا پیشگیری از بزهکاری (اندیشه بزه‌کاری) بر اساس الگوهای گوناگون رایج در نظام‌های حقوقی غیر اسلامی (اعم از پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی باهدف نهایی مهار بزهکار و کاهش امکان وقوع بزه صورت می‌پذیرد) معمولاً دربرگیرنده تدابیری است که با به‌کارگیری اقدام‌های مادی درصدد پیشگیری از جرم می‌باشد و به نقش جنبه‌های معنوی شخصیت بزهکار و مبانی اخلاقی و کرامت خاص بزهکار که در بزه‌کاری مؤثر است به‌عنوان راهکار پیشگیرانه کمتر توجه می‌کند. برخلاف نظام‌های حقوقی موضوعه غیر اسلامی، یکی از آموزه‌های عقیدتی اسلامی این است که انسان به‌عنوان موجودی متفکر، آگاه، انتخاب‌گر، تکلیف‌پذیر، دارای کرامت خدادادی است و تا زمانی که با ارتکاب جرم و یا تعرض به حقوق دیگران، این ویژگی و حق را از خود سلب نکند، از طرف جامعه مورداحترام است [۱]. در نظام حقوقی اسلام برای جلوگیری از سقوط اخلاقی جامعه، منابع و آموزه‌های همگانی دین، شیوه‌های خاصی را برای بازداشتن افراد قبل از انجام بزه پیش‌بینی کرده است. این نظام با اهتمام در نشر تعلیمات اخلاقی، تذهیب نفس، آموزش مبانی عقیدتی و راهنمایی و توصیه به انجام کارهای نیک و پرهیز از اندیشه‌های مخرب و جرم‌زا، امیدوار است که تا حد ممکن افراد را از کشیده شدن به ارتکاب بزه بازدارد. بنابراین اتخاذ این شیوه و سیاست‌گذاری باهدف سالم‌سازی محیط زندگی افراد و جلوگیری از جرم و گناه در نظام حقوقی اسلام (که احکام آن مستند به علم و حکمت الهی است)، باعث می‌شود آنکه با آن آشنا می‌شود، پی به حقانیت و جامع بودن آن



برده و سعی در اجرایی نمودن دستورات اسلام دارد. اسلام در خصوص شناخت انگیزه‌های مجرمانه، جهان‌بینی خاصی دارد و آن نگاه توحیدی است، با کمی تدبر در منابع اسلام، به‌ویژه در آیات قرآن کریم، نقش بازدارندگی نگاه توحیدی به‌خوبی قابل‌درک است [۱]. نگاه توحیدی عاملی است که انسان را در همه شرایط، از انحراف و گناه بازمی‌دارد. نقش بازدارندگی این عامل، مطلق نیست بلکه ممکن است برای هر فرد و جامعه‌ای یکسان نبوده و نسبی باشد، علت این نکته، میزان پایبندی افراد به این اصل از جهان‌بینی اسلام است. قرآن کریم در داستان حضرت یوسف (ع) باظرافت خاصی، نقش مبانی و جنبه‌های بازدارندگی را در نگاه توحیدی تبیین نموده است. متفکران معاصر، فرهنگ، مذهب، اجتماع، خانواده، مدرسه را شاخص‌های حمایتی و هدایتی فرد در دوری از بزهکاری دانسته‌اند و معتقدند که این شاخص‌ها شیوه زندگی را معین می‌کند و یا شاید تغییر دهد، اما اسلام بنا بر آن جهان‌بینی دقیقی که دارد علاوه بر این چند اصل که بارها از آن‌ها نام‌برده و به تشریح آن‌ها پرداخته به قبل و بعد از بروز این اصول نیز اشاره می‌کند و مقدمات و مؤخراتی برای محدوده ذهنی متفکر ترسیم می‌کند که به آن اشاره می‌کنیم: ایمان به خالق هستی و هستی‌بخش. ایمان به علم خالق جهان نسبت به اعمال و رفتار مخلوقات. اعتقاد به معاد. اعتقاد به این اصول، انسان را از رفتار و اعمال باطلی که کرامت ذاتی انسان را به مخاطره می‌اندازد حفظ می‌کند و همواره مخلوق، خود را تحت نظر خالق متعال می‌داند و هراندازه درجه اعتقاد به این آموزه بیشتر باشد درصد بروز افکار یا کردار معصیت‌انگیز کمتر خواهد شد.

آنچه در اسلام بسیار به آن تأکید شده است اخلاق نیکو می‌باشد و آن را می‌توان یکی از ارکان جامعه‌محوری اسلامی و احترام به جایگاه رفیع انسان دانست. این مهم در کنترل و

۱- اشاره به آیات ۲۵۵ و ۲۸۶ سوره بقره، ۷ سوره مجادله، ۷ و ۸ سوره زلزله، ۲۵ سوره آل عمران و ۸ و ۹ سوره طارق.

تأثیرگذاری افکار و اعمال مجرمانه در فرد و جامعه بسیار مؤثر است. شاید نتوان برای کلمه اخلاق تعریف جامع و مطلق ارائه نمود، اما برای بیان نقش اخلاق موردنظر اسلام در پیشگیری از بزه، ناگزیر به تعریف اجمالی اخلاق باید پرداخت. در یک عبارت می‌توان این چنین بیان داشت: اخلاق عبارت است از قواعد و دستورهایی که بر مبنای فطرت یا اندیشه‌های گوناگون و به تدریج در زمان و مکان معین به وجود آمده، افراد آن را محترم شمرده و معیاری برای تشخیص خوب و بد اعمال رفتار به شمار می‌رود، در مقابل جرم نیز یک پدیده انسانی و اجتماعی است و مرتکب آن با زیرپا گذاشتن مرزهای معتبر جامعه به جان، مال، حیثیت یا آزادی جامعه صدمه وارد می‌کند. نقطه تلاقی اخلاق و قانون در این است که بسیاری از مسائل اخلاقی از مفاهیم حقوقی تشکیل شده است مانند لزوم وفای به عهد. در اینجا است که اخلاق اسلامی نیز مانند حقوق، از قانون زندگی سخن می‌گوید و هدف آن نیز تأمین سلامت و سعادت اجتماعی است. حال تقویت مبانی اخلاق اسلامی به دلیل نقشی که در تعالی روحی و معنوی انسان به جا می‌گذارد، یکی از عوامل پیشگیری کننده از بروز انگیزه مجرمانه خواهد شد.

در نظام کیفری اسلام نیز صرفاً هدف سزا دهی و اجرای عدالت مدنظر نیست، زیرا اگر چنین هدفی مدنظر بود با اعمال مجازات اخروی بهتر حاصل می‌شد و نفس عمل مجازات نیز هدف نیست بلکه هدف آن است که با ایجاد یک نظام حقوقی مناسب، حتی قبل از اجرای مجازات نیز ارعاب و بازدارندگی حاصل گردد. لذا در قوانین حقوقی اسلام در این خصوص، ضمن آنکه در برخی جرائم مهم مجازات سنگین را می‌بینیم مانند حد، قتل، رجم و غیره، در عین حال شرایط اجرای بسیار دشوار و مفصلی همانند مشاهده چهار شاهد عادل و ... در نظر گرفته شده است. پس هدف اصلی، اجرای قوانین نیست بلکه تأثیر قوانین در بازداشتن از بزه می‌باشد. مطالب ذکر شده خلاصه بخشی از استراتژی نظام حقوقی اسلام در خصوص پیشگیری از بروز



اندیشه‌های بزهکارانه را مطرح نمود، چراکه تفضیل آن در این مجموعه ممکن نیست، اما توجه به اثربخشی و افقی که اسلام بر آن دارد می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های منطبق با نظریه‌های غربی در جوامع امروزی تأثیرگذار باشد.

بخش پنجم: تأثیر دین‌باوری در پیشگیری از ایجاد انگیزه‌های جرم‌زا

پیشگیری از جرم زمانی اهمیت خود را حفظ کرده است که جرمی اتفاق نیفتاده باشد، یعنی اقدامات پیشگیرانه باید از تحولات جامعه جلوتر باشد، همان‌طور که قرآن کریم چنین وضع شده است. وقتی سوابق تاریخی آموزه‌های دینی را مطالعه می‌کنیم و نیز ماحصل آن یعنی قرآن کریم را مطالعه می‌کنیم، نقص خود و جامعه امروزی را متوجه می‌شویم. عدم توجه به آموزه‌های انسانی اسلامی، در عصر حاضر و عصرهای گذشته، انسان را از مسیر تعالی دور ساخته است، حال باید به خود بباییم و قواعدی را برای زندگی اجتماعی تعریف کنیم، قانون بنویسیم، کنوانسیون مبارزه با فساد تشکیل دهیم (سال ۲۰۰۳)، در سازمان ملل کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری تأسیس شود و ماحصل آن‌ها چیزی نیست جز آنچه اسلام در قرآن کریم بیان داشته است، پس وقتی این منبع کاربردی [۱] تبیین می‌گردد، شاخصه‌های مدیریتی پیشگیری از بروز زمینه‌های انگیزشی جرم نمایان می‌شود، آن‌هم قبل از پیشگیری از بروز جرم، یعنی یک یا چند قدم جلوتر از زمان اتفاق انگیزشی. دین به‌عنوان یک نیاز بشر است در فطرت بشر نهادینه شده است و فقط کافی است آن را به حامل آن (بشر) شناساند و یا او را بیدار کرد. باید بررسی شود که آیا صرف اختیار کردن دین در پیشگیری از جرم مؤثر خواهد بود یا خیر؟ نظر نگارنده بر این است آنچه مؤثر است دین‌باوری است و نه دین‌داری، چراکه پایبندی به آموزه‌های دینی خود مانع گرایش به فعل مجرمانه می‌باشد. اینکه چرا در

۱- قرآن و احادیث و روایات صحیح اسلامی.



جوامع مدعی دین‌داری، جرم اتفاق می‌افتد، خود گواه نظر نگارنده است. صرف اینکه جامعه، دینی است و یا حکومت، دینی است مشکلی حل نمی‌شود، مشکل زمانی قابل حل است که آموزه‌های دینی در جامعه نهادینه شده و اجرا شود. از مهم‌ترین آموزه‌های دینی در مرحله قبل از پیشگیری از وقوع جرم یعنی مرحله رشد و هدایت انگیزه اجتماع:

۱- اعتقادات پیشگیرانه ۲- اخلاقیات پیشگیرانه می‌باشد.

دین خطوط کلی و استراتژی و مبانی انگیزشی را بیان می‌کند که باید آن را عملیاتی و به برنامه تبدیل نماییم البته هم در قبل از وقوع انگیزه بزه و هم بعد از وقوع بزه یا جرم، جهت بهبود و کنترل وضعیت. آنچه اسلام به آن اهمیت می‌دهد و بر آن اصرار دارد این است که چه در پیشگیری کنشی و چه واکنشی، ارزش و جایگاه انسان باید حفظ شود. نظر نگارنده بر این است که اصول اسلام در پیشگیری از جرم، جامعه‌محور است، یعنی مقصر در بروز جرائم را صرف کم‌کاری یک دستگاه نمی‌دانند فلذا معتقد است برنامه‌ریزی‌ها در جامعه می‌بایست سامانه‌ای بوده و تمام نهادها و سازمان‌ها در یک مسیر اما با مسئولیت‌های مختلف و هماهنگ قدم بردارند. گواه این نظر این است که قرار است از یک عمل یا تفکری پیشگیری شود که می‌تواند معضل اجتماعی به وجود آورد. غنی بودن احکام و شرایع اسلام در بحث جامعه و پیشگیری از وقوع معضل‌های اجتماعی به قدری است که برخلاف دیگر مکاتب که انشقاق بین نگرش نوع کیفر و اثر وضعی آن با سیاست اخلاق‌مداری را مطرح می‌کنند، اعتقاد بر عدم انشقاق دارد، به عنوان مثال جرم را تعدی و تجاوز به قانون و دولت و افراد و روابط بین آن می‌داند. عدالت را مستلزم پیگیری مجرمیت و به تبع آن اعمال مجازات می‌داند و در پی آن سعی در اصلاح بزه دیده و بزه‌کار به عنوان اعضای جامعه دارد. وقتی معضلی پیش می‌آید و یا عمل مجرمانه‌ای رخ می‌دهد با این شکل به آن نگاه خواهد کرد که چه قوانینی نقص شده؟ چه کسی صدمه دیده است؟ مرتکب آنچه کسی است و چه نیازی داشته است؟ مرتکب مستحق



چه چیزی است و در این زمینه چه کسی متعهد و مسئول است؟ به تجربه ثابت شده است که تنها وضع قوانین جزائی و اجرای آن درباره مجرمین موجب اصلاح جامعه نمی شود بلکه گاهی نتیجه معکوس از شدت عمل‌ها به دست می‌آید. اگر به مسائل جامعه و مشکلات غریزی اعضای آن توجه نشود و برای رفع معضلات و فراهم کردن امکانات، برنامه درست و قابل اجرائی تهیه نگردد معضلاتی همچون دزدی و فحشاء در جامعه فراوان می‌شود و وقتی این‌گونه بلاهای بزرگ دامن‌گیر اجتماع شود، اعتقاد و ایمان مردم رو به سستی می‌نهد و در نتیجه جامعه فاسد در دامن دشمنان ملت و جهان خواران خون‌خوار سقوط می‌کند. می‌توان تأثیر دین‌باوری در پیشگیری از ایجاد انگیزه‌های جرم‌زا را در دستورهای اسلام به صورت کلی چنین بیان کرد: مسلمانان از خشونت در روابط اجتماعی به هر شکلی منع شده‌اند و همگی به رحمت، عفو و گذشت و مدارا دعوت گشته‌اند. تعالیم دینی نیز، مظهر رحمت الهی‌اند. دستورات، انسان دوستانه و به سود وی و مایه سعادت و آرامش نیک بختی او می‌باشند، حال اگر به جای باور این دستورات صرفاً آن‌ها را قبول نماییم، به هر دلیل که در آن لحظه آن‌ها را مطابق میل و یا عقل خود ندانیم ممکن است در اجرای دستورات تعلل نماییم.

بخش ششم: تقدم اسلام و تأخر غرب در علم پیشگیری از بروز بزه

از نظریه پردازان غربی در حوزه پیشگیری از جرم می‌توان به براتینگهام و فاوست نام برد (قرن ۱۹ میلادی). یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های به عمل آمده توسط این دو نظریه پرداز، دسته‌بندی شیوه‌های پیشگیری از جرم است. در این دسته‌بندی سه شکل پیشگیری از جرم تمیز داده شده است [۱]:

الف) پیشگیری نخستین: کاهش فرصت‌های جرم بدون ارجاع به مجرم یا مجرمان بالقوه است.

۱- کلدی، علیرضا (۱۳۸۱)، انحراف، جرم و پیشگیری، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۳.



ب) پیشگیری میدانی یا دومین: در این شکل درواقع پیشگیری از جرم‌زایی مطرح است تا پیشگیری از جرم. این روش به تغییر آن دسته از افرادی مربوط می‌شود که بیشتر در معرض خطر برای شروع به ارتکاب جرم قرار دارند و قبل از اینکه به ارتکاب آن دست بزنند، اعمال می‌شود.

ج) پیشگیری ترمیمی یا سومین: در این شکل به درمان مجرمان شناخته‌شده پرداخته می‌شود که بر طول مدت‌زمان، شدت و یا فراوانی ارتکاب جرم متمرکز است.

این فرضیه‌ها در قرن ۱۹ میلادی مطرح شده است درحالی‌که اسلام این نکات را در قرن اول هجری، مطابق با قرن ۶ میلادی مطرح نموده است و به رعایت آن سفارش نموده است، یعنی اسلام از مرحله نظریه عبور کرده و به قطعیت رسیده است.

در ادامه مناسب می‌باشد تطبیقی هرچند جزئی در مورد تقدم و تأخر بیان تفکرهای بنیادی در حوزه پیشگیری از بروز اندیشه‌های مجرمانه بیان گردد. عوامل مؤثر در بروز جرم از اولین مباحثی است که در تمام عصرها مورد بحث قرار گرفته است.

۲۶۷



الف) عوامل زیستی مؤثر در بروز جرم از نگاه نظریه‌پردازان غرب: تأثیر زیست‌شناختی وراثت و انتقال خصوصیات جسمانی، عقلانی و هوش والدین و اجداد انسان از دیرزمان موضوع مطالعه روان‌شناسان و علمای این علم بوده است. این موضوع تحت عنوان «وراثت عقلی و اخلاقی» مورد بررسی واقع شده است. در بین دانشمندان علوم زیستی و وراثت، لمبرزو [۱]، یکی از پیشگامان این نظریه می‌باشد. این دانشمند با آزمایش‌های متعدد و مطالعات طولانی بر روی ۳۸۳ مجرمه جنایتکاران ایتالیایی و ۵۹۰۷ بزهکار زنده نتیجه‌گیری نمود که

۱- تولد: نوامبر ۱۸۳۶ مقارن با ۱۲۵۱ ه.ق پزشک و جرم‌شناس ایتالیایی، یهودی اهل ایتالیا، تأثیرگذاری‌ها از: آگوست کنت، چارلز داروین، فرانسیس گالتون، کارل فن رکیتانسکی.



برخی اختلالات بیولوژیکی علت بزه این افراد می‌باشد. وی بر اساس این آزمایش‌ها فرضیه «جانی» را ارائه داد. بررسی‌هایی که به منظور تأیید نظریه لمبرزو ارائه شد مربوط به دوقلوهای یک‌تخمکی بود. طبق بررسی‌های متعدد مشخص گردید که دوقلوهای یک‌تخمکی دارای شباهت‌های رفتاری بسیاری می‌باشند، درحالی‌که در دوقلوهای دو تخمکی این میزان بسیار کمتر بوده است. رفائل گاروفالو [۱] (۱۹۷۸) از معتقدان تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه می‌باشد. بررسی و شناخت عوامل روانی جرم مربوط به دانش روان‌شناسی جنایی است. از جمله رسالت‌های این دانش بررسی منش و شخصیت بزهکار و ارزیابی گرایش‌های ضداجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان به منظور تعیین مسئولیت اخلاقی و اجتماعی‌شان است. بر اساس دیدگاه روانکاوی فروید [۲]، خانواده و والدین کودک نقش بسیار بزرگی در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند؛ زیرا چنانچه سیر طبیعی رشد کودک تا پنج‌سالگی تکمیل نگردد و در طی یکی از مراحل، توقف حاصل شود، این امر سبب بروز اختلال‌ها و واکنش‌های ضداجتماعی در رفتار آدمی خواهد شد. بر طبق دیدگاه روان‌شناسان، در تحلیل شخصیت بزهکار تمایلات و انگیزه‌های ناخودآگاه جایگاه مهمی دارند. از نظر این اندیشمندان مجازات افرادی که به علل اختلالات روانی مرتکب بزه می‌شوند نه تنها مثر ثمر نیست، بلکه آنان را به‌سوی جرائمی تازه نیز سوق می‌دهد [۳].

ب) عوامل زیستی مؤثر در بروز جرم از نگاه اسلام: قرآن کریم و معصومین (ع) در بیش از ۱۴ قرن پیش نه تنها اشاراتی به مسئله «وراثت صفات» نموده‌اند که از فحوای کلام ایشان به دست می‌آید، بلکه در مواردی به آن تصریح نیز فرموده‌اند و این در حالی است که کمتر از دو

1 - Raffaele Garofalo

2 - Freud

۳- هوشنگ شامبیاتی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۷۵-۷۹.

قرن از عمر دانش ژنتیک (علم وراثت) می‌گذرد. برخی آیات و روایات را که می‌توان در این زمینه مستند قرارداد، عبارت‌اند از: «قَالُوا إِن يَسْرِقَ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ...» (برادران) گفتند: اگر او [بنیامین] دزدی کند، (جای تعجب نیست، چون) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد...» (یوسف/۷۷)؛ «گویندگان این سخن همان برادران پدری یوسف هستند و به همین دلیل، یوسف را به بنیامین نسبت داده، گفتند اگر بنیامین امروز پیمانۀ پادشاه را دزدید، خیلی جای تعجب نیست و از او بعید نیست؛ زیرا او قبلاً برادری داشت که مرتکب دزدی شد و چنین عملی از او نیز سر زد. پس این دو برادر دزدی را از ناحیه مادر خود به ارث برده‌اند و ما از ناحیه مادر از ایشان جدا هستیم» [۱]. این جمله و این اتهام برادران یوسف حاکی از تبرئه خودشان است؛ «یعنی اگر او دزدی کرده، بعید نیست، چون برادری داشت که او هم دزدی کرده بود و در این کار وارث یکدیگرند، اما چون ما از طرف مادر با آنها نیستیم، لذا به دزدی دست نزده‌ایم» [۲].

نتیجه‌گیری

در حیات اجتماعی، اصل بر این است که در جامعه، انحرافی پدید نیاید تا نیاز به درمان، اصلاح و احیاناً پیشگیری از آن باشد. اصولاً نفس ارتکاب جرم و انحراف آموختنی است، بنابراین محیط پیشگیری و اصلاح نیز باید آموزشی باشد، آنچه مهم است و باید به آن توجه شود افکار آدمی است و علل بروز گذر از تفکر به عمل است. دقت در ظرفیت‌های پیشگیری از وقوع جرم در آموزه‌های اسلامی، به‌خوبی نشان می‌دهد که در نظام و آیین اسلام، راهکارها و جلوه‌های خاصی در زمینه کنترل افکار آدمی وجود دارد که در پیشگیری از بروز انگیزه‌های

۱- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ق.). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۱ ص ۲۳۶.

۲- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر أحسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت، ج ۵، ص ۱۶۱.



مجرمانه نقش مهمی دارد، چراکه در کلیه آموزه‌های دینی، ویژگی‌های چهارگانه‌ای وجود دارد که امروزه اندیشمندان و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان مرتبط با حوزه جرم و بزه بر امر پیشگیری به آن‌ها قائل هستند. این چهار ویژگی به‌طور کلی چنین می‌باشد:

- اجرای آموزه‌های دینی، عموماً تضمین‌کننده پیشگیری از بزهکاری است؛ یعنی اقدام علیه عواملی که نقش تعیین‌کننده‌ای در سوق دادن انسان به طرف جرم دارد.

- آموزه‌های دینی تا جایی که به کرامت انسانی ضربه شدید وارد نیاید، فاقد جنبه‌های قهرآمیز و سرکوب‌گرایانه است. این آموزه‌ها مشتمل بر تدابیری است که مخاطب آن، همه جوامع است.

- مجموعه آموزه‌های اسلامی قبل از ارتکاب جرم یا درمان بزهکار و جامعه، در فرایند جلوگیری از بروز شکل‌گیری اندیشه مجرمانه مؤثر می‌باشد و حسب مورد ارتکاب اعمال مجرمانه را دشوار می‌کند یا کاهش داده و یا از بین می‌برد.

- در خصوص کنترل اندیشه یا فرایندی که ممکن است ارادی یا غیرارادی، به‌اجبار یا غیراز آن موجبات گذر از اندیشه به عمل یا تصمیم را به وجود آورد، طراحی محیط امن اعم از روانی و فیزیکی، سازمان‌دهی روش‌های کارآمد و بومی جهت کنترل و هدایت اندیشه، اندیشه‌سازی و ابزارسازی جهت نیل به اجتماع سالم و تکامل‌گرا می‌توان بیان نمود. این فرایند در مکتب اسلام بسیار موشکافانه بحث و اجرایی گردیده تا جایی که نظام اجتماعی و در رأس آن حکومت را وادار ساخته در پی ایجاد محیطی باشند تا کرامت انسانی افراد جامعه حفظ گردد. رفع و حل تضادها و تعارض‌ها و بحران‌ها در جامعه توسط قوانین منطبق با جنبه‌های فطری و نیازهای درونی مردم بر گرفته از احکام الهی مرتفع شود.



- توجه جدی به مقوله پیشگیری از وقوع اندیشه‌های مجرمانه، از مصادیق باز خدمت‌رسانی به مردم است. راهکار اسلام در این خصوص دین‌پذیری جامعه است و نه صرف دین‌داری.

- بیداری اسلامی علاوه بر سایر برکاتش، در بحث عدالت کیفری قدم‌های مؤثری خواهد گذاشت و سعی دارد مجدد راهبرد کلان خود را در جهت مقابله با اندیشه‌های بزه‌کاران را معرفی و به اجرا گذارد و عملاً از گسترش اندیشه‌های غیر الهی و ظاهر نما جلوگیری نماید.
التهایه با توجه به مطالب فوق، در خصوص نقش و کارکرد علوم انسانی اسلامی در جهت پیشگیری از اندیشه‌های مجرمانه، تدابیری به شرح زیر لازم می‌باشد:

- ترسیم نقشه راه در خصوص پیشگیری از اندیشه مجرمانه بر اساس معیار اسلامی با بررسی و تحلیل آموزه‌های اسلامی، نظریات غرب تا اکنون و نتیجه آن در جوامع، شناسایی موانع و بی‌راهه‌ها، تقویت شاخص‌های توانمندسازی.

- معمولاً نهادهای غیردولتی توان رقابت با آنها را ندارند که می‌توان با تقویت بیشتر نهادهای غیردولتی (NGO) و سپردن اداره امور جامعه در این خصوص به آنها نقش مؤثر از عملکرد جامعه بر جامعه را می‌توان به‌طور محسوس مشاهده کرد.



منابع و مآخذ

- ۱- دکتر علی نجفی توانا-جرم شناسی-انتشارات سنجش آموزش- ص ۱۶۹- سال ۱۳۹۶
- ۲- آیه ۵۸ سوره اعراف: سرزمین پاکیزه گیاهانش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن چیزی نمی‌روید.
- ۳- زرشناس - شهریار - کاوشی در چیستی علوم انسانی - انتشارات کانون اندیشه، ۱۳۹۴
- ۴- تعریف «علوم انسانی اسلامی» به بیان رحیم‌پور ازغدی، تاریخ انتشار: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵ سایت خبری بولتن نیوز.
- ۵- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۹.
- ۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰
- ۷- گلشن، ریمون، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، تهران، چاپخانه علامه طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۳
- ۸- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، انتشارات غدیر، چاپ سوم، ۱۳۷۱، ش، ج ۱ ص ۱۸۱.
- ۹- کربلایی پازوکی، علی، میر هادی تفرشی، محمدرضا، چیستی علوم اسلامی و رابطه آن با علوم انسانی از منظر شهید مطهری، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۷۰ / سال بیست و یکم، شماره اول / بهار، ۱۳۹۶



۱۰- مجمع البحرين ج ۲، ص ۷۶، واژه " دین " دین عبارت است از شریعت مقدّس؛ اعم از اصول و فروع که پیامبران الهی آن را از طریق وحی دریافت و به بندگان خدا ابلاغ کرده‌اند.

۱۱ - کلدی، علیرضا (۱۳۸۱)، انحراف، جرم و پیشگیری، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۳.

۱۲ - طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ق.). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۱، ص ۲۳۶.

۱۳ - رجعلی نعمت زاده - مقاله پیشگیری از وقوع جرم، نیاز ضروری جامعه - مجموعه مقالات قوه قضائیه ۱۳۸۳.